

ماهنامه فرهنگی دانشجویی  
سال دهم، شماره ۱۵۱، مرداد ماه ۱۴۰۱  
صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز



# سه ساله‌ی حسین



در این شماره می‌خوانیم:

شهید سر بلند

رمز و راز عشق

پناه بی سر پناه

غیور مردان حرم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ماهنامه فرهنگی دانشجویی

سال دهم، شماره ۱۵۱، مرداد ماه ۱۴۰۱  
صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز  
شماره مجوز: ۲۵۹/کنش



مدیر مسئول ..... فاطمه کریمی

سردبیر ..... زهرا خدامرادی

اعضای هیئت تحریریه ..... خاطره

آزادی، فاطمه امیری، مریم رحمانیان، زهره کریمی، فاطمه کریمی، فاطمه مرادپور جغدیری، فاطمه  
مصلى نژاد، ریحانه مفتاح، زهرا منفرد، نگین نوروزی

ویراستار ..... فاطمه کریمی

صفحه آرایی ..... زهرا خدامرادی



جای قلم‌های شما در دیدار خالی ست، پذیرای آثار و دست‌نوشته‌های گرانقدرتان هستیم. همچنین نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما مایه‌ی مسرت ما و ارتقاء نشریه خواهد بود. برای ارتباط با ما کافی ست یکی از راه‌های ارتباطی زیر را انتخاب نمایید:

 [eitaa.com/myshohada](http://eitaa.com/myshohada)

 [instagram.com/myshohada](https://www.instagram.com/myshohada)

 ۰۹۱۷۷۸۷۳۹۹۸





## فهرست مطالب

- ۵..... سخن سردبیر
- ۶..... سه ساله حسین
- ۷..... پناه بی سر پناه
- ۸..... فلسفه زیارت عاشورا
- ۱۰..... معرفی کتاب پدر، عشق و پسر
- ۱۱..... گنجینه ی عظیم
- ۱۲..... غیور مردان حرم
- ۱۳..... رمز و راز عشق
- ۱۴..... مصلوب کربلا
- ۱۵..... شهید سربلند
- ۱۶..... دیدار نگار

تقدیم به شهدای گمنام

# سخن سردبیر

رسم دیدار با خانواده شهدا مراسمی ست که از سال ۱۳۷۹ توسط ۵-۶ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز کلید خورد و به برکت خون شهدا تا به امروز ادامه داشته و دانشجویان زیادی مشتاقانه از این مراسم باصفا و سرشار از صمیمیت و برکت، استقبال می کنند.

دیدار تبدیل شد به فرهنگی که یاد و خاطره شهدا، ایثار و از خودگذشتگی، خدمت به جامعه و قدردانی را در نسل دانشجویان دانشگاه شیراز زنده نگاه داشته است. در همین راستا فضایی دانشجویی ایجاد شد برای تفکر و اندیشه، جریان یافتن دغدغه فرهنگی در افکار و فرصتی برای دست به قلم شدن و مکتوب کردن.

انسان آمیزه‌ای از عقل و احساس است. با ابزار تفکر پیش می‌رود و به کمال عقلانی می‌رسد. تفکر، زیربنای حرکت تکاملی انسان در مسیر دین و بندگی خداوند تلقی می‌شود. خداوند به ارزش قلم و رسالت والای آن در قرآن کریم قسم یاد کرده و ارزش قلم نه تنها در این است که اظهار قلبی و آگاهی فردی را ماندگارتر می‌کند بلکه دست بردن به قلم خود به تنهایی انسان را وادار به کسب آگاهی می‌کند و از پرتگاه بی تفاوتی نجات می‌دهد و حیطةی اثر تفکر و اندیشه را چنان گسترده می‌کند که گاه توانسته ملتی را نجات دهد و جامعه‌ای را زنده کند. تلاش مادر «دیدار» بر این است که دانشجو قلم تفکر و دغدغه‌ی خود را به تحریر درآورد. همچنین در هر شماره تلاش می‌شود گوشه‌ای از رشادت‌ها، خصوصیات، مرام، رفتار و سیره‌ای از زندگی شهدا مکتوب گردد.

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ۖ وَحَسُنَ أُولَئِكَ مَرْفِيقًا

# سه ساله‌ی

## حسین

♦ زهره کرمی  
کارشناسی جغرافیا



اسارت در دستان دشمن برای بزرگسالان هم سخت و دردناک است چه رسد به کودک سه ساله‌ای که پدرش شهید شده و خود را گرفتار دشمن می‌بیند. رقیه در عالم رویا با پدر صحبت می‌کند که به عالم واقع وصل می‌شود در این هنگام به دستور یزید سر بریده و مبارک پدر را مقابل خود می‌بیند، با ناله و فریاد سر را به آغوش می‌کشد و مظلومانه از دنیا می‌رود... و با سوز و گریه ادامه داد: رقیه کوچک! ای یادگار تازبان‌های نینوا و سیل سیلی کربلا! دست‌های کوچکت هنوز بوی نوازش‌های پدر را می‌داد، و نگاه‌های معصوم و چشمان خسته‌ات، نور امید را به قلب عمه می‌تاباند. وقتی میان خون و آتش، صدای گریه‌ات، دل سنگ را می‌لرزاند و پاهای تاول زده‌ات، سختی‌ها را گلایه می‌کرد، همه چشم‌ها کور بودند و دل‌ها سنگین‌تر از آن بود که بار سنگین دلت را سبک‌تر کند. دست هایت کوچک بودند برای به آغوش کشیدن صبر و سختی. اما تو چقدر سربلند بیرون آمدی از دردها و دلتنگی‌ها! صبر را از چه کسی به ارث برده بودی، نمی‌دانم! اما ایمان، هم‌پای تو بزرگ شده بود. می‌روی و کوچکی دنیا را به طالبانش وامی‌گذاری. اندوهت را بر صورت خرابه می‌پاشی و می‌گذری تا به لبخندی ابدی پیبندی. دسته‌های عزاداری که نزدیک‌تر می‌شوند. از فکر بیرون می‌آیم با چشم دنبالش می‌گردم؛ دخترک هنوز با دستان کوچکش به عزاداران حسین آب می‌دهد. کاش در صحرای کربلا بودی بنت حسین.

این کاروان نیست که پیش می‌رود؛ حادثه است. این بیابان‌های داغ است که گام‌های کاروان را به دوش می‌کشد. این ظهر دم کرده بیابان‌های تفتیده اتفاق است که بر تن دقایق، عرق کرده است. کاروان، آرام آرام رهسپار می‌شود، با صدای زنگ شتران و شیهه اسبان. کربلا، نفس نفس می‌زند و فرات، تشنه‌تر از همیشه، در خویش می‌جوشد و سر بر جداره‌ها می‌کوبد...

با تکان خوردن چادرم نگاهم از صفحه‌ی گوشی گرفته می‌شود. پایین پایم را نگاه می‌کنم دخترک منتظر است که لیوان آب را از دستش بگیرم. می‌نشینم و دقیق می‌شوم به چهره‌اش، به سربندی که دارد "بنت حسین" اسمش را که می‌پرسم با شیرین‌زبانی می‌گوید رقیه!

یاد سه ساله‌ی حسین می‌افتم لب تشنه بود در گرمای داغان کربلا، در انتظار آب عزیز سه ساله‌ی حسین. اما حالا رقیه‌ای با دستان کوچکش به عزاداران حسین آب می‌دهد. صحبت‌های چندشب قبل مداح هیئت در ذهنم جان می‌گیرد؛ از کربلا می‌گفت: از حسین و علمدار سپاهش، از زینب و صبرش از همه بیش‌تر.

اما از رقیه گفت: پیکار و نبرد نظامیان و لشکریان در کربلا که به پایان رسید. اهل بیت امام حسین علیه السلام و هر کس که زنده مانده بود از کوچک تا بزرگ به اسارت درآمدند. رقیه خاتون دختر امام حسین علیه السلام تنها سه سال سن داشت که در این اسارت شرکت داشت.

# پناه بی سرپناه

♦ فاطمه امیری  
کارشناسی فلسفه

شما با همه سختی‌ها ایستادید و با قدرت از هدف والای نور چشم رسول الله، دفاع کردید و نهضت‌شان را جاویدان گردانید. ۳۴ سال ایستادید و با شجاعت مهر حق را بر دهان ظالمان و قاتلان معصومان زدید و افسوس از آن روز که مظلومانه مانند پدرتان جسمتان از میان‌مان رفت و لعنت بر آن دشمنان خدا که ترس از رسوایی تمام وجودشان را گرفته بود همان‌هایی که زبان‌تان را آغشته به زهر کردند تا مبادا همین زبان سرود رسوایی‌شان را جار بزند غافل از اینکه با شهادت، تو تورا از ما نگرفتند. این کافران نمی‌دانستند شما همیشه در دل‌های ما زنده‌اید. مولایم شما را بد دلانی شهید کردند که از ترس شجاعت‌تان، هیبت‌تان، محبوبیت‌تان، پدرتان و خدای بالای سرتان لرزان بودند و در نبودتان احساس پیروزی داشتند غافلانی که هیچ‌وقت معنای حقیقی واژه پیروزی را نفهمیدند.

مولایم، ای آقای تمام سجده‌کنندگان. خواست خدا و محبتش اینگونه رقم خورد که شما در لابه لای خون‌های ریخته شده اشک‌های جاری و لب‌های تشنه و دل‌های آتش گرفته در تب باشید و محکم و استوار بمانید و کشان کشان خودتان را به آینده برسانید، تا مبادا کسی به اربابمان نگاه چپ کند. مانند ما تمام دروغ‌های ظالمان را فاش کنید و مهر بی‌آبرویی بر پیشانی سیاه شده‌ی یزید و بنی‌امیه بکوبید. سرپا ماندید تا خطبه‌هایتان روزی طنابی شود، بر گردن دشمنان اهل بیت رسول الله تا از حق دفاع کنید و لبخند بر لبان اربابمان حسین بیاورید و آتش از دل‌های ۷۲ لاله پرپر خاموش کنید. تقدیر چنین بود که سرپناه کودکان و زنان بی‌سرپناه باشید، سایه بالای سر زینب باشید و در سخنانتان از غم تاسوعا و عاشورا و دل‌های خون و چشم‌های خیس و فرشته‌های بی‌دست و سر و فرات و کربلا و داغی‌شن‌هایش بگویید.



# فلسفه‌ی

# زیارت عاشورا

♦ خاطره آزادی  
کارشناسی زمین‌شناسی



زیارت همواره از اعمال پسندیده اسلام بوده و در طول تاریخ مسلمانان خصوصاً شیعیان ارادت خاصی به زیارت داشته‌اند. به همین خاطر این عمل یکی از ویژگی‌ها و نمادهای شیعیان به شمار می‌رود. معنای زیارت در لغت‌نامه دهخدا: دعایی که به عنوان تشرف باطنی برای امام‌ها و امامزاده‌ها و اولیا خوانند.

در مذهب شیعه، مکتب زیارت، از آموزنده‌ترین مکاتب بوده است زیرا بزرگان شیعه نوعاً شهید شده‌اند و خواندن و توجه به آنها (زیارت) در کنار تربیت شهید تأثیر غیر قابل انکاری دارد. این شهیدان در راه خدا و در راه اقامه عدل و ایستادگی در برابر ستمگران و امر به معروف و نهی از منکر از جان خود گذشتند و پیوستن به ابدیت در جوار رحمت حق را به چند صباح دیگر عمر ترجیح دادند.

ادعیه و زیارت‌هایی در مفاتیح، صحیفه سجادیه و... ذکر شده است که اکثر مسلمان‌ها به آن‌ها پناه می‌برند و به نوعی با خواندن این ادعیه و زیارت آرامش گرفته و یا حاجت روا می‌شوند.

یکی از این زیارت‌توصیه شده که در هر ایامی بخصوص در روزهای محرم و صفر خوانده می‌شود، زیارت عاشورا است.

زیارت عاشورا زیارت‌نامه‌ای برای امام حسین (ع) و دیگر شهدای کربلا در روز عاشورا است.

زیارت عاشورا حدیث قدسی است و اولین کسی که از اهل بیت علیهم السلام متن زیارت عاشورا را برای عموم مردم خواند، امام باقر علیه السلام است که فرمود پدرم، او از پدرش و او از جد ما از پیامبر (ص) و از جبرئیل و جبرئیل از خداوند متعال نقل کردند که خداوند فرمود: السلام علیک یا ابا عبدالله. یعنی متن زیارت در بین اهل بیت علیهم السلام بوده است.

روایت وارد شده که سیدالشهدا در روز عاشورا دو بار زیارت عاشورا را قرائت کردند، یک بار بین نماز ظهر و عصر روز عاشورا از ابتدا تا انتهای زیارت را خواندند و یک بار از صبح عاشورا تا غروب عاشورا بنا بر مناسبتی تکه‌ای از زیارت عاشورا را خواندند.

ائمه ما شیعیان خصوصاً امام زمان (ع) تأکید به خواندن و مداومت به خواندن این زیارت شریف داشته‌اند، چنانچه در ملاقاتی که سید رشتی با امام زمان (ع) داشته‌اند، امام زمان به سید رشتی می‌فرمایند: که چرا عاشورا نمی‌خوانید و بعد سه بار می‌فرمایند عاشورا، عاشورا، عاشورا. (مفاتیح الجنان - شیخ عباس قمی).

حضرت امام صادق (ع) فرموده: هر کس بوسیله خواندن زیارت عاشورا، جدم حسین (ع) را زیارت کند "چه از راه دور یا نزدیک" به خدا قسم خداوند هر حاجت مادی و معنوی داشته باشد به او می‌دهد.

شماری از دستاوردهای این زیارت عبارت است از:

۱- ایجاد پیوند معنوی با خاندان عصمت و تشدید علاقه و محبت به آنان، مانند فراز اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی

ممات محمد و آل محمد.

۲- پیدایش روحیه ظلم ستیزی

۳- دوری جستن از خطر انحراف

۴- ترویج روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و فداکاری در راه خدا

۵- احیای مکتب در راه و هدف خاندان عصمت

۶- درس آموختن و الگو گرفتن از شهدای کربلا

بطور کلی اعلان وفاداری به اهل بیت علیهم السلام و راه و رسم ایشان و برائت از دشمنان ایشان تا روز قیامت از پیام‌های مهم زیارت عاشورا است.

اگر چه شاخص اصلی این زیارت، تولا و تبرّا و اعلام موضع نسبت به حق و باطل، اظهار پیروزی و سلام و درود بر کشته‌شدگان جبهه نور، و ابراز لعن و نفرت و نفرین بر دست‌اندر کاران آن فاجعه بزرگ و مصیبت عظمی است، اما نکته‌ها، پیام‌ها و درس‌های دیگری هم دارد.

فرهنگ فدا و خون‌خواهی

در زیارت عاشورا و برخی زیارت‌های دیگر، تعبیراتی همچون: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ أَسْرَتِي» دیده می‌شود.

یک مؤمن و شیعه واقعی، باید در راه دینش از همه چیز بگذرد و خدا و دین برای او، از همه چیز، حتی از مال و جان خودش و پدر و مادرش هم مهم‌تر باشد. این مضمون، در قرآن کریم نیز مطرح است: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ...»

سبک زندگی اهل بیته

در فراز دیگر (اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ...)، درخواست طیبه و نوع عالی زندگی و مرگ، همچون حیات و موت دودمان پیامبر خواسته شده است که بیانگر نوع و سبک زندگی اسلامی هم می‌باشد. خاندان پیامبر برای ما الگو هستند؛ هم برای نوع زندگی و هم از نظر نوع مرگ؛ زندگی و مرگ برای خدا و در راه خدا و طبق دین خدا.

زندگی ما، هم بعد فکری و اعتقادی دارد، هم بعد اخلاقی و رفتاری و هم بعد احکام و قوانین و حلال و حرام. حیات مسلمان باید از بدو تولد تا واپسین دم حیات، بر مدار دین و بر محور هدایت و ولایت معصومان باشد.

سلام بر شهیدان

نکوداشت و یاد شهیدان و نام‌بردن از آنان و طرح فداکاری ایشان، احیای فرهنگ جهاد و شهادت است. در فقرات پایانی، از فداکاران و جان‌باختگان در رکاب امام (ع) یاد می‌شود و بر چهره‌های شاخص شهدای اهل بیت (امام حسین، علی اکبر و اولاد امام و اصحاب امام) سلام و درود فرستاده می‌شود. پس از آن، بار دیگر بر سران ظلم و بنیان‌گذاران ستم بر اهل بیت: و نیز بر یزید، ابن زیاد، شمر، عمر سعد، آل ابی‌سفیان، آل زیاد و آل مروان که همه جزو ملت واحد کفرند، لعن می‌فرستیم و از آنان برائت می‌جوییم: «الکفر ملّة واحدة».

# پدر، عشق و پسر

♦ فاطمه کریمی

کارشناسی مهندسی باغبانی



در انتهای کتاب، منابعی که نکات تاریخی از آنها استخراج و در متن داستان پرورانده شده، آمده است.

## برشی از متن کتاب:

عجیب بود رابطه میان این پدر و پسر. من گمان نمی‌کنم در تمام عالم، میان یک پدر و پسر، این همه تعلق، این همه عشق، این همه انس و این همه ارادت حاکم باشد. من همیشه مبهوت این رابطه‌ام. گاهی احساس می‌کردم که رابطه‌ی حسین با علی اکبر فقط رابطه‌ی یک پدر و پسر نیست؛ رابطه‌ی یک باغبان با زیباترین گل آفرینش است، رابطه‌ی عاشق و معشوق است، رابطه‌ی دو انیس و همدل جدایی‌ناپذیر است. احساس می‌کردم رابطه‌ی علی اکبر با حسین، فقط رابطه‌ی یک پسر با پدر نیست؛ رابطه‌ی مأموم و امام است، رابطه‌ی مرید و مراد است، رابطه‌ی عاشق و معشوق است، رابطه‌ی محبّ و محبوب است و اگر کفر نبود می‌گفتم رابطه‌ی عابد و معبود است...

کتاب «پدر، عشق و پسر» نوشته سید مهدی شجاعی فرازهایی از زندگی حضرت علی اکبر بن‌الحسین علیه السلام به تصویر کشیده می‌شود. وقایع از زاویه‌ی اول شخص و از زبان اسب آن حضرت «عقاب» روایت می‌شود و مخاطب راوی در داستان، لیلی بنت ابی مرّه مادر گرامی حضرت علی اکبر(ع) است. فصول کتاب با عنوان «مجلس» نام‌گذاری شده و داستان متشکل از ده مجلس است که در هر مجلس، عقاب با زبانی عاطفی و دلنشین، صحنه‌ای از زندگی حضرت علی اکبر(ع) را روایت می‌کند و مجالس پایانی، به شهادت حضرتش در کربلا اختصاص دارد. گفتنی است که هر برش از زندگی حضرت که در مجالس ده گانه نمایانده می‌شود، در انتهای هر مجلس به گونه‌ای به واقعه‌ی کربلا مربوط و منتسب می‌شود و بدین ترتیب، تمام مجالس رنگ عاشورایی خود را حفظ می‌کند. داستان از چگونگی رسیدن عقاب به حضرت علی اکبر(ع) شروع می‌شود و مجلس دوم تصویری از ولادت آن حضرت ارائه می‌دهد. مجالس بعدی به ماجراهای پیشنهاده‌ی امان از سوی سپاه عمر سعد به حضرت، سقایت ایشان برای اهل خيام قبل از حضرت عباس، صحنه‌های پوشاندن لباس رزم و راهی کردنشان به میدان توسط امام و..

# گنجینه ی عظیم

♦ گردآورنده: نگین نوروزی  
کارشناسی علوم تربیتی



نشست و برخاست نکنید و گاهی اگر لازم شد، خانه‌های مردم بروید، زیر سقفشان و روی فرششان بنشینید، با آنها احوالپرسی کنید.

یک توصیه‌ی دیگری که خیلی مهم است، ارتباط با جوان‌ها است. برای این کار باید بنشینید فکر کنید راهکار پیدا کنید، ساز و کار باید پیدا کنید. امروز در سرتاسر کشور، مجموعه‌های خودجوش و گمنام و کم‌هزینه و بی‌ادعائی وجود دارند که کار فرهنگی می‌کنند، کار اجتماعی می‌کنند، خدمات ارائه می‌دهند، همه جای کشور هستند.

خطبه‌ها بایستی پُر مغز باشد، آموزنده باشد، پاسخ به سؤالات مردم باشد. ادبیات خطبه باید گرم باشد، صمیمی باشد، اتحادآفرین باشد، امیدبخش باشد؛ ادبیات خطبه باید امیدبخش باشد.

جهاد تبیین را جدی بگیرید، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدی بگیرید. شبهه از جمله‌ی چیزهایی است که عرض کردیم مثل مور یانه است؛ دشمن به این مور یانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی که وارد شد، خارج شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم می‌کند.

البته این حرف‌ها و این عرایضی که عرض کردیم، باید جوری باشد که نتیجه‌اش را در اجتماع نماز جمعه ببینید؛ یعنی اگر آن کاری که شما می‌کنید کار موفقی باشد، بایست خودش را در اجتماع نماز جمعه‌ی شما نشان بدهد. اگر چنانچه دیدید این کارهایی که انجام دادید در جذب مخاطب تأثیری نداشته، بدانید یک نقضی در کار هست؛ نقض را پیدا کنید و نقض را برطرف کنید. نمی‌شود عدم توجه‌ها را مستند کرد به اینکه مردم مثلاً نسبت به مسائل دینی و مانند این‌ها کم‌اعتقادند؛ نخیر. مردم در می‌دانند؛ ما باید خودمان را از میدان کنار نکشیم.

پروردگارا! ما را عامل به گفته‌های خودمان قرار بده. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. (امام خامنه‌ای مدظله العالی در دیدار با ائمه جمعه، ۱۴۰۱/۰۵/۰۵)

وقتی انسان آگاه شد به اهمیت یک شغلی، یک مسئولیتی، آن را بر دیگر کارها مقدم می‌دارد و به جوانب و اطراف آن بیشتر می‌رسد؛ هم خودمان بدانیم، هم دیگران بدانند؛ صدا و سیما، مسئولین اینها را بگویند تا مردم بدانند که نماز جمعه صرفاً یک نماز جماعت در یک مسجدی نیست بلکه این یک پدیده‌ی بزرگ و مهمی است در یک شهر. نماز جمعه به خاطر خصوصیتی که دارد، یک فریضه‌ی صد درصد استثنائی است؛ ما شبیه نماز جمعه هیچ چیز نداریم.

اول اینکه در نماز جمعه دو خصوصیت با هم وجود دارد؛ هم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» است، هم «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» است. این، هم صلات است، هم جُمعه است؛ صلات، ذکر محض است، ذکر خالص است، جُمعه هم که اجتماع مردم است. یعنی این یکی از آن خصوصیات و شاید اولین خصوصیت ممتاز صلات جمعه است.

دوم اینکه این ذکر دسته‌جمعی موجب می‌شود که برکات و آثار ذکر بر دسته‌جمع نازل بشود. نفس اجتماع و حضور مردمی یک چیز مهمی است، اینجا است که شما باید حساس باشید. اگر چنانچه نماز جمعه‌ی این هفته‌تان از نماز جمعه‌ی مثلاً یک ماه قبلتان جمعیت کمتری دارد باید احساس نگرانی کنید؛ اصلاً اساس کار، حضور مردم است. در قرآن دارد: فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ این نفع، مال همه می‌شود.

خصوصیت بعدی استمرار این حادثه است؛ جلسه‌ی هفتگی. حالا محتوای آن گردهمایی چه باشد، مسئله‌ی بعدی است؛ این خیلی خصوصیت مهمی است.

خب وقتی یک چنین اجتماعی وجود دارد که هر هفته جمع کثیری از مردم یک شهر در یک جای معینی دور هم جمع می‌شوند، این می‌تواند یک پایگاهی باشد، یک قرارگاهی باشد برای همه‌ی موضوعات مهم و مطرح یک جامعه. در نماز جمعه شما همه جور آدمی شرکت می‌کنند؛ با همه شما پدران رفتار کنید، همه فرزندان شما هستند. با همه پدران رفتار کنید، همه را سر سفره‌ی دین و معنویت و شریعت بنشانید؛ این هم یک مطلب.

رفتار امام جمعه باید مردمی باشد؛ سلوک مردمی. یعنی که شما به عنوان یک فردی از مردم بروید بین مردم، با آنها حرف بزنید، از مردم فاصله نگیرید، فقط با یک جمع مخصوص و ممتازی

# غیور مردان حرم

♦ فاطمه مرادپور جغدري  
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون (۱۶۹ آل عمران) و گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند. بلکه آنان زنده هستند و در بارگاه پروردگارشان بهره‌مندند. شهدا همواره زنده هستند و مرگشان در حقیقت انتقال آن‌ها به حقیقت نهفته پشت پرده جهان هستی است.

اماکن مقدس مثل حرمین اهل بیت و مکه مقدس تهدید کرده‌اند. (ب) کور کردن فتنه در نطفه: یکی از اهداف ظهور گروه‌های تکفیری، کشاندن دامنه درگیرها به مرزهای شرقی عراق و نفوذ به درون ایران بوده است. امری که گروه‌هایی مثل داعش با پخش تراکت و ساخت تیزرهای تبلیغاتی و حتی نام‌گذاری برخی مناطق ایران با اسامی جعلی خودشان روی آن تمرکز داشتند. در این میان کار درست این است قبل از اینکه منتظر تهاجم این جماعت نادان تکفیری باشیم، خود به سراغشان رفته و مانع پیشروی آن‌ها شویم.

پ) ایجاد امنیت ملی: یکی از اهداف مهم گروه‌های تکفیری خصوصاً داعش، ضربه زدن به ایران اسلامی بوده است. آن‌ها این تفکر نادرست را در سر دارند که با گسترش حکومت به ظاهر اسلامی خود، مناطقی از ایران را تصرف کرده و قلمرو حکمرانی‌شان را تا کشور افغانستان و حتی تاجیکستان گسترش دهند. ولی مدافعان حرم این خیال شوم آن‌ها را نابود کردند و با حضورشان در سوریه و عراق، امنیت و آرامش را به مردم ایران هدیه دادند. هدیه‌ای گران‌بها که نمی‌توان آن را با هیچ چیز دیگر جایگزین یا معاوضه کرد.

نتیجه‌گیری:

شهادت فرصت عشق آفرینی دل‌های عاشق است. فرصت آگاهی مردم از خوبی و بزرگی خوبانی است که گمنام بوده‌اند. محل اثبات شجاعت و اخلاص مدافعان حق (شهدا) است.

علیرضا پناهیان:

با کسب اجازه از محضر حضرت ولی عصر (عج) و سردار بزرگ اسلام، حاج قاسم سلیمانی این متن را تقدیم می‌کنم به روح بلند مرتبه‌های شهدا خصوصاً شهدای مدافع حرم که با تدبیر و فداکاری‌هایشان درس‌هایی آموختند که هیچگاه فراموش نخواهد شد. باشد که مورد قبول واقع شود ان‌شاءالله.

۱۸ مرداد به عنوان روز بزرگداشت شهدای مدافع حرم نام‌گذاری شد. شهادت شهید محسن حججی در ۱۸ مرداد سال ۱۳۹۶ نقطه عطفی برای حضور سایر رزمندگان در سوریه جهت مقابله با داعش تکفیری بود. شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۸ مرداد را به عنوان سالروز بزرگداشت شهدای مدافع حرم نام‌گذاری کرد تا به واسطه‌ی آن رشادت، شجاعت، فداکاری و ایمان خالص شهدای مدافع حرم به ما یادآوری شود. امنیت و آرامشی که در ایران برقرار است حاصل فداکاری و از جان گذشتن‌های شهدای مدافع حرم همچون شهید محسن حججی است. گروه‌های تکفیری همچون داعش مهم‌ترین دشمنان اسلام و مسلمانان خصوصاً شیعیان هستند که کمر به نابودی شیعیان و قبور متبرکه اهل بیت پیامبر بستند. آن‌ها در پیام‌های خود اعلام می‌کردند که اصلی‌ترین هدفشان از تصرف کامل سوریه و عراق، تخریب قبور مطهر حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) خواهد بود. غیرت بزرگ‌مردانی همچون شهید محسن حججی اجازه نداد که نسبت به این مسئله بی‌تفاوت باشند. بنابراین از جان، مال، همسر، فرزند و خانواده‌های خود گذشتند تا گذر نامردان به دیگر دختران و زنان نیفتد.

تأثیرگذاری مدافعان حرم در عراق و سوریه را در چند بخش می‌توان تقسیم کرد:

الف) دفاع از حرم آل محمد (ص): اولین و اصلی‌ترین تفکر شکل‌گیری گروه‌های تکفیری، ایجاد و عمق بخشیدن به تفرقه‌های فکری و اعتقادی بین جوامع اسلامی بود. این مسئله از طریق ایجاد شبهاتی در مورد مقام و منزلت اهل بیت (ع) که همواره مورد توجه و ارادت مسلمانان هستند، انجام می‌شود. تکفیری‌ها با این خیال که خودشان دیدگاه تازه و اصیلی در مورد دین، یعنی بی‌حرمتی به ساحت مقدس اهل بیت پیامبر اسلام (ص) دارند، بارها جوامع اسلامی را به تخریب

# رمز و راز عشق



♦ ریحانه مفتاح  
کارشناسی ادبیات و زبان فارسی

ایشان چقدر زیبا و بزرگ‌منشانه امام خود را یاری کردند. به نظر تان ما چه کاری می‌توانیم برای امام‌مان انجام دهیم و ندای ایشان را لبیک گوئیم؟...  
شهدا را یاد کنیم با ذکر صلوات

دوست دارم درباره ظالمانی به تو بگویم که غیور مردان این سرزمین را از ما گرفتند و ترس و ظلمت و ظلماتی را در ظرفی گذاشتند و بی‌رحمانه به ما تحمیل کردند، ولی غیور مردان ما در یک عصری که هیچ‌کس نمی‌دانست چگونه باید ظرف ظلم را از بین ببرد، آنان با جوانمردی از خاک و وطنشان دفاع کردند. می‌خواهم بگویم که ما دلیرمردانی داشتیم و داریم که برای وطنشان جانفشانی می‌کنند. آن جوانمردان این کلمه را با خون پاک‌شان در راه الله معنا کردند. آنان لاله‌های گلگون کفنی بودند که عزت و آبرو و عظمت به این خاک بخشیدند و نگذاشتند دست بیگانگان به سرزمینمان برسد. آزادمردانی که غیرتشان اجازه نداد ناموسشان به خطر افتد. آنانی که از خود گذشتند تا ما بمانیم و در آسایش و امنیت کامل به سر ببریم. شهدا را نمی‌شود وصف کرد چون آنان اینقدر بزرگ‌مرد هستند که کلمات از گفتن توصیفی درباره بزرگی و عظمتشان ناتوان و عاجز است.

حرف از شهادت به میان آمد، جانم به فدای آقای که تمام شهدا به مقام رفیع ایشان غبطه می‌خورند، آقای که هل من ناصر ینصرنی امام خود را لبیک گفتند و به وفاداری معنایی وصف ناپذیر بخشیدند. آقای که روز عاشورا به یاد لب تشنه‌ی اهل بیت امامشان آقا امام حسین(ع) آب نوشیدند و اشقیای چه قدر ناجوانمردانه و وقیحانه و با پستی تمام ایشان را به شهادت رساندند. ایشان فرزند بزرگوار آقا جان حضرت علی ابن ابی طالب(ع)، آقا قمر بنی هاشم، حضرت ابوالفضل العباس(ع)؛

# مصلوب کربلا

♦ زهرا منفرد

کارشناسی علوم سیاسی

۲۵ سال داشت. تنها یک هفته از دامادی و چندی از مسلمان شدنش گذشته بود. در مقابل گروهی قرار گرفته بود که سابقه مسلمانی‌شان به دیروز و امروز نبود. در چشمانش بصیرت، در سر ادب و در دل شجاعتی داشت که از مادرش به ارث برده بود. سیرتش چون صورتش زیبا و دلنشین بود. در راه کربلا با حسین بن علی ملاقات داشت؛ ملاقاتی که نور ایمان را در دل او شعله ور کرده، مسلمان شد و به یاری امام مظلومش شتافت.

وهب نصرانی معروف به مصلوب کربلا از پیروان حقیقی مسیح(ع) بود که راه حقیقت را یافت و عاقبت در راه حقانیت به شهادت رسید. مبارزی دلاور که شهادتش بیانگر کیفیت و درک عمیق از اسلام است، درک عمیقی که افرادی با سابقه‌ای به سن او در اسلام از آن برخوردار نبودند.

ام و هب از زنان شجاع حاضر در کربلا بود که تاثیر به سزایی بر فرزند خود داشت و او را به حمایت از حسین(ع) تشویق می‌کرد و سرانجام، خود به دست غلام شمر ابن ذی‌الجوشن به شهادت رسید.

وهب را به صلیب بستند و سر از تن او جدا کردند، سر را نزد مادرش بردند، مادر سر فرزند را به طرف سپاهیان دشمن پرتاب کرده و با ذکر این جمله که «در قاموس ما نیست که چیزی را که در راه خدا داده‌ایم پس بگیریم» یکی از سپاهیان دشمن را به هلاکت رسانده و لرزه بر تن سپاهیان دشمن انداخت.

شجاعت، بصیرت، ایثار و عشق همه و همه، وجه تشابه شهدای کربلاست...

# شهید سر بلند

♦ فاطمه مصلی نژاد  
کارشناسی علوم سیاسی

آنگونه زیستی که خدا عاشقت بود  
مگر نه؟

غیر از این است؟...

راست می گویم خب، عاشقت بود دیگر. اگر مهر کسی به دل خدا  
بیفتد در یک آن او را به سوی بهشت برینش می کشاند.

چه کرده بودی آقا که این گونه تو را فرا خواند؟

تو مزد سال ها تلاش و مجاهدت برای انقلاب و خدمت به محرومان را  
گرفتی، آن هم به زیباترین شکل.

شکنجه شدی، اما این ها برایت چیزی جز هیچ و پوچ دنیا نبود؛ بیدی  
نبودی که با باد حمله‌ی دشمن بلرزی...

سر بریده‌ات گواه رشادت و شجاعت توست.

از یادمان نمی رود که چگونه به مانند مولایمان سیدالشهدا سر از تن  
نازنینت جدا شد.

از یادمان نمی رود که چگونه سالیان سال در انتظار مطهر پیکرت  
بودیم.

هشت سال چشم‌انتظاری برای آمدنت ارزش داشت.

چه انتظار شیرینی...

چه زیبا و دلنشین بود آنگاه که آمدی و بوسه زدیم بر آن تابوتی که تن  
عطر آگینت را دست به دست میان مریدانت می کشاند.

عشق، ایمان، اخلاق، دینداری

مگر می شود از اینان سخن گفت و تو را در کنار پدرمان حسین قرار  
نداد؟

مگر شاگرد مسیر او نبودی؟

اطمینان دارم که روح بزرگوارت با روح حسین مانوس بود.

روزی که عازم سوریه شدی، دل ما نیز با تو هم مسیر شد؛ آری... مسیر  
حق.

یادم می آید آن روزهای تلخی را که داعشان با خبثت عکس‌های  
تن بی سرت را همچون تیری زهراگین به سوی چشممان پرتاب

می کردند، به گمان اینکه تیری بر قلبمان زده باشند. اما نه...

آنان چه می دانستند این حرکتِ کودکانه‌شان، شور عشقِ حسینی را  
در دل جوانان وطن بیدارتر می کند...

آنان نمی دانستند ملت این مرز و بوم باز یچه‌ی دست آنان نمی شود

نه تا زمانی که سرداران جسوری چون تو سر مشیق فرزندان این  
خطه‌ست.

به راستی که سر بریده‌ات پیوند جان پاکت با آرمان‌های بلند امام  
عاشوراست.

به امید وصال به روح بلند مرتبه‌ات شهید عزیز

# دیدار نگار

♦ مریم رحمانیان  
کارشناسی فلسفه

خانواده‌ی آن‌هاست. همچنین در مورد تخصص شهید در سوریه، با اینکه خودشان هیچ‌وقت در این مورد صحبتی نمی‌کردند، اما به گفته‌ی دوستانِ همکار، ایشان مسئولیت تک تیراندازی را بر عهده داشتند.

نحوه‌ی شهادت ایشان دقیق مشخص نیست اما به گفته‌ی یکی از هم‌زمان که از دور شاهد ماجرا بودند، در بلبشوی جنگ تیری به سر شهید حاجی زاده اصابت کرده و ایشان به درجه‌ی والای شهادت نائل می‌شوند و هیچ روایت دقیق تری در این

## گفت و گویی با همسر شهید رضا حاجی زاده:

شهید بزرگوار در ششم دی ماه ۱۳۶۶ در آمل زاده شدند و پدر بزرگ ایشان با ارادت‌ی که به امام رضا (ع) داشتند اسم ایشان را رضا گذاشتند.

دوره‌ی نوجوانی و تفریحات شهید بیشتر با مسجد و ورزش کردن گذشت و بعد در سن ۱۸ سالگی با مدرک فنی بخاطر علاقه‌ای که به سپاه داشتند وارد این عرصه شدند، چندی بعد به اصرار همسر تصمیم به ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی حقوق گرفتند.

## ایشان

در گردان تکاوری لشکر ۲۵ کربلا مشغول بودند. شهید در سن ۲۱ سالگی ازدواج کردند و حاصل این ازدواج دو فرزند به نام‌های فاطمه حلما و محمد طاها می‌باشد که در زمان شهادت پدر، به ترتیب دو سال و نیمه و ده ماهه بودند...

همسر شهید اذعان داشتند که مهم‌ترین دغدغه‌ی شهید در تمامی امور خواست و رضای خداوند بود و از ویژگی‌های برجسته‌ی ایشان نماز اول وقت، دائم الوضو بودن، انس با قرآن و احترام به پدر و مادرشان بود و ایشان همچنین در زندگی با همسرش سرآمد بود.

شهید حاجی زاده به خاطر موقعیت شغلی شان اغلب اوقات در دوره‌ها و مأموریت‌های مختلف مشغول بودند که یکی از آنها حتی یک سال طول کشیده بود.

در سال ۱۳۹۲ شهید بحث سوریه و دفاع از حرم را پیش کشیدند و با مخالفت خانواده و همسرشان روبرو شدند و در آخر در محرم سال ۱۳۹۴ موفق به راضی کردن همسر شدند و عازم دفاع شدند...

به گفته‌ی همسر شهید هر گاه مشکلی در زندگی‌شان پیش می‌آید وجود ایشان را همه‌جانبه در زندگی خود احساس می‌کنند و شهید به سرعت گره‌گشایی می‌کنند، همان‌طور که خود شهید موقع اعزام به ایشان گفته بودند که نگران نباشید خداوند در قرآن این وعده را داده که خودش جایگزین شهدا در

مورد در دسترس نیست.

خبر شهادت ایشان در فضای مجازی و توسط همسر یکی از همکاران شهید به همسر ایشان داده می‌شود و پیکر مطهرشان بعد از چهار سال یعنی در آبان ماه ۹۹ به وطن بازگشت...

کلام آخر: این دنیا گذراست و شهدا بهترین واسطه‌های خیر هستند، کاش هر کدام مان یک رفیق شهید داشته باشیم تا به واسطه او به تکامل برسیم.





شما می‌توانید با اسکن کردن کد زیر فایل الکترونیک  
نشریه را دریافت نمایید.



راه‌های ارتباطی:

 [eitaa.com/myshohada](http://eitaa.com/myshohada)

 [instagram.com/myshohada](https://www.instagram.com/myshohada)

 ۰۹۱۷۷۸۷۳۹۹۸

ای خوش آن ها که دمی لایق دیدار شدند...